

# کیهان

ارتباط مؤثر با دیگران یکی از مهم‌ترین مهارت‌ها در زندگی اجتماعی است. این توانایی به فرد کمک می‌کند تا بتواند نظرها، عقاید، خواسته‌ها، نیازها و هیجان‌های خود را ابراز و به هنگام نیاز بتواند از دیگران درخواست کمک و راهنمایی کند. مهارت تقاضای کمک و راهنمایی از دیگران در مواقع ضروری، از عوامل مهم یک رابطه سالم است. نویسنده در این مطلب بر اساس آموزه‌های اسلام ضمن بررسی ضرورت‌های یک ارتباط دوجانبه راهکارهای ایجاد و تقویت این مهارت را تبیین کرده است.

\*\*\*

**ضرورت‌های یک ارتباط دو سویه**
اصولا ارتباط میان افراد یک ارتباط دو سویه است؛ بنابراین نمی‌توان انتظار داشت با اصلاح یک طرف، حتماً این ارتباط دو سویه‌به شکل درست و مناسب برقرار شود.

در آموزه‌های دینی اصول و قواعدی برای ارتباط سالم دوسویه بیان شده است که باید از آن به عنوان ضرورت‌های ارتباط یاد کرد. از جمله این اصول و قواعد می‌توان به موارد زیراشاره کرد.

۱. **شناخت دیگری:**
اصولا بدون شناخت دیگری نمی‌توان ارتباط سازنده و مؤثری را برقرار کرد. در آیات قرآن به این مهم توجه شده است. حتی برای ارتباط با دیگری از غیر جنس انسان مانند پرندگان و حشرات نیز نیاز است تا انسان شناختی داشته باشد تا بتواند ارتباط سازنده‌ای داشته باشد. درک شرایط و موقعیت حساس دیگری، قدرت فهم و استنباط، و مانند آن‌ها که اصول انسان با پول و قدرت و ثروت نمی‌تواند قلب‌ها را به خود جلب و جذب کند؛ زیرا اگر کسی پولی بدهد تنها زمانی که پول می‌دهد دیگران را به خود جلب می‌کند، ولی قلب و عقل وی اسیر او نیست؛ اما اگر قلب و عقل کسی را اسیر خود کند آن زمان می‌تواند امید داشته باشد.

همان شخصیت شناسی است باید مد نظر قرار گیرد؛ زیرا هر کسی بر اساس شخصیت خود عمل می‌کند و کنش و واکنش‌های ارتباطی او در همین مدار و محور قابل تحلیل و توصیف و توصیه است.(اسراء، آیه ۸۴) حضرت سلیمان(ع) برای ارتباط با هدهد و ملکه مورچگان از شناخت‌ها بهره گرفته است.(نمل، آیات ۱۸ تا ۲۱) آن حضرت برای ارتباط گیری درست با ملکه سبا از همین روش استفاده کرده که در ادامه همین آیات آمده است.
خداوند در آیات قرآن بر آن است تا زمینه شناخت پیامبر(ص) با گروه‌ها و افراد جامعه از مشرک، منافق و یهود و مسیحی را شنیت کند تا نحوه ارتباط گیری با آنان درچارچوب این ارتباط باشد.
**۲. گوینده و شنونده خوب بودن:**
از دیگر اصول مؤثر در ارتباط‌گیری، گوینده و شنونده خوب بودن است. یعنی همان طوری که انتظار است سخنان شما درشت و تند نباشد و از قواعد فصاحت و بلاغت و از استدلال و برهان و معقولات و مقبولات برخوردار باشد که در آیات قرآن به آن توجه داده شده است(نحل، آیه ۱۲۵، هود، آیه ۶۹؛ احزاب، آیه ۲۰؛ آل عمران، آیه ۱۵۹) همچنین شنونده خوب بودن نیز در ایجاد این ارتباط سالم و سازنده بسیار مهم و اساسی است (فرقان، آیه ۶۳) از همین رو در آیات قرآن به نقش شنونده خوب بودن پیامبر(ص) در جامعه اشاره شده، به طوری که مردم ایشان را «ذن= حرف‌شو» دانسته‌اند و علاوه‌نیز این حرف نشوی پیامبر(ص) را برای جامعه و مخاطبان آن خیر و سازنده معرفی می‌کند.(توبه، آیه ۶۱)

۳. **حسن همدلی و همدردی:**
احساس مشترک داشتن با مخاطب که شرایط آن با شناخت از او به دست می‌آید، حس همدلی را بر می‌انگیزد، به گونه‌ای که موقعیت و شرایط دیگری را درک کرده و بر اساس آن تلاش می‌کند تا مشکلاتش را برطرف کند. چنین کنش و واکنش‌هایی در ایجاد یک ارتباط سازنده و مثبت بسیار مهم و اساسی است. در این قرآن، به این اصل نیز توجه داده شده است. پیامبر گرامی(ص) بر اساس حس همدلی بر آن بود تا دیگران را در مسیر درست و سازنده قرار دهد و ارتباط سازنده‌ای برقرار کند. همین امر موجب می‌شد تا دشمنان و منافقان گمان کنند که ایشان از اصول و قواعد دین توجیح دست برداشته و یا زمینه‌ای برای آن فراهم است؛ در حالی که تمام تلاش پیامبر(ص) در چارچوب همدلی و همدردی و مانند آن بوده است.(نگاه کنیدی: کَهِف، آیه ۶؛ شوره، آیه ۳۷؛ آل عمران، آیه ۱۶۶؛ بقره، آیات ۱۲۰ و ۱۴۵؛ یوسف، آیه ۱۰۳؛ اسراء، آیه ۱۱۴)

۴. **مختصر و مفید گوئی:**
در ارتباط سازنده و مفید باید از هر گونه عاملی که موجب نادخوری و گریز طرف دیگر شود پرهیز کرد. در ارتباط کلامی بهتر است که سخن مختصر و مفید باشد، به طوری که هم مخاطب مطلب را به درستی درک کند و هم دارای ابهام نباشد.(نساء، آیه ۹؛ احزاب، آیه ۷۰)

۵. **توجه و اهتمام نسبت به دیگری:**
در ارتباط با هر یک از افراد ارتباطی باید چهره به چهره با او بود و برای اینکه ارزش و اعتبار گوینده را مورد تأکید قرار دهیم به او با نگریمی و پشت به او نکنیم و کاری که نشان بی‌توجهی ما باشد انجام ندهیم.(انفال، آیات ۲۰ و ۲۲)
**۶. طرح سؤال و انتظار پاسخ:**
از دیگر اصول در ارتباط گیری طرح سؤال و انتظار پاسخ از مخاطب است. این روش بارها در آیات قرآن به کار گرفته شده است.(توبه، آیه ۶۵؛ عنکبوت، آیات ۶۳ و ۶۵؛ لقمان، آیه ۱۷؛ زمر، آیه ۲۶)

۷. **استفاده از همه سطوح تماس زبانی و کلامی:**
از آنجا که مخاطبان و کسانی که با آنان می‌خواهیم ارتباط برقرار کنیم از نظر سطح ادراکی و فهم و شعور و نیز از ارتباط متفاوت هستند، می‌بایست به این تفاوت‌ها توجه داشت و از همه ابزارهای کلامی و غیر کلامی با توجه به سطح قابل تماس استفاده کرد. برخی ملامت‌ها به جهت عقلانیت، به حکمت و برهان علاقه‌مندی هستند و برخی دیگر به قصه و مقبولات و برخی دیگر به امور دیگر، شناخت شخصیت مخاطب در این زمینه بسیار مؤثر است.(نحل، آیه ۱۲۵)

۸. **پرهیز از لغوگویی و تمسخر:**
در ارتباط با

دیگران بهتر آن است که از سخنان بیهوده و شوخی بیجا و یا زیاده روی در آن پرهیز شود؛ زیرا هم شخصیت آدمی را زیر سؤال می‌برد و هم ممکن است سخنی گفته شود که موجب رنجش شود. تمسخر دیگری به هر شکل موجب رنجش خاطر خواهد شد و نباید سرزنش و توبیخ نیز در جمع یا زیاد باشد که همه اینها در ارتباط گیری زیانبار است. آیات قرآن و روایات بسیاری به این نکته‌ها توجه داده است.

۹. **استفاده از زبان بدن:**
انسان همان طوری که با کلام و زبان ارتباط برقرار می‌کند، با زبان بدن نیز ارتباط برقرار می‌کند. اصولا محبت و خشم و مانند آن در چهره، خودش را نشان می‌دهد. تبسم و لبخند در مواجهه به دیگران نقش سازنده‌ای در ایجاد و تقویت ارتباطات دارد. از این رو حضرت سلیمان(ع) با لبخند به استقبال انتقاد ملکه مورچگان رفت(نمل، آیه ۱۹) و پیامبر(ص) نیز همواره با مردم با تبسم مواجه می‌شد و هرگز تندخویی و تندی نمی‌کرد.

در آموزه‌های اسلامی اساس و محور ارتباطات در دین بر مهربانی و خوش خلقی نهاده شده است و از

می‌شود و قدرت و ثروت آنان برای او نیز خواهد بود؛ زیرا دیگران بسادگی قدرت و ثروت خود را در اختیار او می‌گذارند.

از همین رو گفته شده که خوش خلق شریک مال مردم است. امیرمومنان علی(ع) می‌فرماید: «تَفْعُ الْكَنُوزِ مَحَبَّةُ الْقُلُوبِ؛ سرودمندترین گنج‌ها، به دست آوردن محبت دل‌هاست.»(غرالحکم و درالکلم، ج ۹۶۱۹) انسان باید برای رسیدن به هر کمالی از همه ابزارها و نعمت‌های الهی استفاده کند؛ افزایش ظرفیت و بهره‌مندی از امکانات هستی با افزایش ارتباطات امکان‌پذیر است؛ زیرا این گونه است که شریک دیگران در قدرت و ثروت و امکانات و نعمت‌های آنان می‌شود. امام علی(ع) در جایی دیگر می‌فرماید: *المؤمن مألوف الفلت فی من لا یألف و لا یؤلف؛* مومن اهل معاشرت و خیرزی نیست.(اصول کافی، ج ۴، ص ۲۱۲)

خوشرویی، مهم‌ترین جلوه خوشخویی است؛ در حقیقت خوشخویی را می‌توان در رفتار خوشرویی انسان‌ها جست. کسی که در همه حال با انبساط



مردم خواسته شده تا در چهار محور با دیگران تعامل داشته باشند که شامل موارد زیر است:
۱- **آزاد نرساندن**
که برای تحقق آن باید خشم و زبان خود را کنترل کرد
۲- **برخورد نیک با همه انسانها** که برای آن باید فضایل اخلاقی را در خود نهادینه ساخت
۳- **تعامل متعالی** با مؤمن که در این مورد باید حقوق خاص مؤمن را رعایت کرد.۴- **دوستی:** که قبل از انتخاب باید افراد را ازمود و عوامل ایجاد و تقویت آن را شناخت.
**مهارت خوش اخلاقی**
یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار در روابط اجتماعی، خوش اخلاقی است که در رفتارهای فرد، خودش را نشان می‌دهد.انسان خوششو و خوش اخلاق، به سبب اخلاق نیک و پسندیده‌ای که دارد، در جامعه

و تبسم و لبخند با دیگران مواجه می‌شود و سرور خویش را نشان می‌دهد و حتی گله خشمش را نهان می‌کند. درد و رنج خویش را پنهان می‌کند، در حقیقت نشان می‌دهد که از نظر خلق و خوی در اوج خوش خلقی و حسن خلق قرار دارد. از این رو در اسلام بر خوشرویی در مواجهه با دیگران به عنوان نماد خوش خلقی تأکید شده است. در همین رابطه امام باقر(ع) می‌فرماید: «أَتَى رَسُولَ اللَّهِ (ص) رَجُلٌ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَوْصِنِي فَكَانَ يَمِينًا أَوْضَاةً أَنْ قَالَ أَلْقِ أَحَاكَ بَوَخِجٍ مُنْبَسِطٍ؛ مردی نزد رسول خدا(ص) آمد و از ایشان تقاضای توصیه‌ای خواست. حضرت فرمود: برادر(دین‌سخت) را با رویی باز دیدار کن.»(اصول کافی، ج ۲، ص ۱۰۴)

# از نگاه اسلام

**منصور حسینی**

**انسان خوششو و خوش اخلاق، به سبب اخلاق نیک و پسندیده‌ای که دارد، در جامعه به گونه‌ای رفتار می‌کند که هم خودش از آن بهره‌مند می‌شود و هم دیگران. خوش‌سخوبی مهم‌ترین عامل جذب دیگران به خود است به طوری که دیگران ناخواسته خود را در خدمت فرد قرار می‌دهند و خواسته‌هایش را برآورده می‌سازند. منش شخص خوششو در کنش‌ها و واکنش‌هایش خودنمایی می‌کند و مردم از اعمال و پسندیده و نیکش خشنود می‌شوند و به سمتش می‌آیند.**

بسیار مهم است که بدانیم منش و سبب اخلاق نیک و پسندیده‌ای که دارد، در جامعه به گونه‌ای رفتار می‌کند که هم خودش از آن بهره‌مند می‌شود و هم دیگران. خوشخویی مهم‌ترین عامل جذب دیگران به خود است به طوری که دیگران ناخواسته خود را در خدمت فرد قرار می‌دهند و خواسته‌هایش را برآورده می‌سازند. منش شخص خوششو در کنش‌ها و واکنش‌هایش خودنمایی می‌کند و مردم از اعمال و پسندیده و نیکش خشنود می‌شوند و به سمتش می‌آیند.
اصولا اسلام دین محبت و صلح و صفا است. چرا که نام آن اسلام به معنای سلم و صلح و صفا و تسلیم در برابر خوبی‌ها و نیکی‌ها و خیر و حق است.
در روایات به مسئله خوش اخلاقی بسیار توجه داده شده، به طوری که گفته شده غیر از خوشخویان کسی به بهشت نمی‌رود. این بدان معناست که خوش خلقی و خوش‌سخوبی عامل اصلی بهشت رفتن آدمی و کسب سعادت ابدی است. پیامبر اسلام(ص) در این باره فرموده است: «أَكْبَرُ مَا تَلَقَّ بِهِ أُمَّتِي الْجَنَّةُ تَقْوَى اللَّهِ وَ حَسَنُ الْخُلُقِ؛ بیش‌ترین چیزی که سبب بهشتی شدن امت من می‌شود، پارسایی و نیک‌خویی است.»(اصول کافی، ج ۲، ص ۱۰۳)

اصولا انسان با پول و قدرت و ثروت نمی‌تواند قلب‌ها را به خود جلب و جذب کند؛ زیرا اگر کسی پولی بدهد تنها زمانی که پولش می‌دهد دیگران را به خود جلب می‌کند، ولی قلب و عقل وی اسیر او نیست؛ اما اگر قلب و عقل کسی را اسیر خود کند، در این زمان می‌تواند امید داشته باشد که پیرو و مطیعش باشد. پیامبر اکرم(ص) در این زمینه فرموده است: «إِنَّكُمْ لَنْ تَسْتَوْا النَّاسَ بِأَمْوَالِكُمْ فَأَلْفَوْهُمُ بِلِقَاكُمُ الْوَجْهَ وَ حَسَنِ الْبُشْرَى؛ شما با دارایی‌هایتان نمی‌توانید به همه مردم رسیدگی کنید(و آنها را بپوشش دهید). پس با رویی گشاده و نیکو آنها را ملاقات کنید.»(اصول کافی، ج ۲، ص ۱۰۴)

**راهکارهای ایجاد و تقویت مهارت ارتباطی**
ممکن است این پرورش مطرح شود که ارزش و اهمیت مهارت ارتباطی را برای رسیدن به کمالات و سعادت و آرامش و حتی آسایش دانسته‌ایم، اما چگونه

## معارف

Maarefkayhan@Kayhan.ir

**در آموزه‌های اسلامی اساس و محور ارتباطات در دین بر مهربانی و خوش خلقی نهاده شده است و از مردم خواسته شده تا در چهار محور با دیگران تعامل داشته باشند که شامل موارد زیر است:**
**۱- آزار نرساندن که برای تحقق آن باید خشم و زبان خود را کنترل کرد**
**۲- برخورد نیک با همه انسانها** که برای آن باید فضایل اخلاقی را در خود نهادینه ساخت
**۳- تعامل متعالی با مؤمن که در این مورد باید حقوق خاص مؤمن را رعایت کرد**
**۴- دوستی، که قبل از انتخاب باید افراد را ازموذ و عوامل ایجاد و تقویت آن را شناخت.**

می‌توانیم این مهارت را در خود ایجاد یا تقویت کنیم. در آموزه‌های اسلام چنانکه مطرح شد، راهکارهای متعدد و متنوعی بیان شده که برخی از آنها را می‌توان از لایزلی مطالب گذشته به دست آورد.
از جمله سازوکارهایی که اسلام برای ایجاد و تقویت مهارت ارتباطی بیان کرده اموری چند است که عبارتند از:

۷. **اعتمادسازی:**
از جمله ابزارهای مهم در ارتباطات اجتماعی، اعتمادسازی است. کسی که به دیگری اعتماد نداشته باشد و با ترس و دل‌پره با کسی مواجه شود نمی‌تواند ارتباط سازنده و مثبتی برقرار کند. در قرآن بیان می‌شود که خوفی که در حضرت ابراهیم(ع) از نخوردن مهمانان ایجاد شده بود، ایشان را از ادامه ارتباط منصرف کرده بود؛ اما فرشتگان با اعتمادسازی تلاش کردند تا این ارتباط در مسیر درست قرار گرفته و ادامه یابد.(هود، آیه ۷۴)
**۸. ابراز وجود:**
هر چند که انسان نباید خودش را مدح و ستایش کند (تجم، آیه ۳۲) ولی در ارتباط اجتماعی معرفی خود و شخصیت می‌تواند در ایجاد یا تقویت یک ارتباط سازنده و موثر مفید باشد. از این رو پیامبران در گام نخست ارتباط‌گیری با دیگران به معرفی خود می‌پرداختند. (اعراف، آیه ۱۵۸؛ صف، آیه ۵ و آیات دیگر)
**۹. شناخت و اهتمام به سطح مخاطبان:**
این مطلب پیش از این بیان شده و درادامه باید گفت که درک و شناخت از یک سسو و توجه و اهتمام به تفاوت سطوح، خیلی می‌تواند در بهبود ارتباط مؤثر و بافایده داشته باشد. گوینده بایستی به سطح فهم و خرد مخاطب توجه داشته باشد چه آنکه عدم توجه

۱۰. **ابراز علاقه به دیگری:**
از روش‌های ایجاد و تقویت ارتباط با دیگران، ابراز علاقه و احساسات نسبت به دیگری است. امام صادق(ع) می‌فرماید: «لِلتَّوَدُّ الِ النَّاسِ نَصْفُ الْعَقْلِ؛ مهرورزی با مردم نیمی از خرد است.»(اصول کافی، ج ۶، ص ۵۰۴)
**۱۱.اکرام:**
اینکه انسان بی‌منت با دیگران ارتباط برقرار کند، به معنی اکرام دیگران است. اصولا انسان‌ها نسبت به کسانی که بده و بستان دارند و منت می‌گذارند و با منتظر اقدامات متقابل هستند در حد همان ارتباط بازاری و تجارت با او رابطه برقرار می‌کنند و این ارتباط به شکل یک ارتباط دوستانه و اجتماعی و پایدار ظهور می‌کند. از این رو پیامبران نخستین مطلبی را که اعلام می‌کردند، عدم دریافت مزد در ارتباط با نقش پیامبری است. (انعام، آیه ۹۰؛ هود، آیه ۲۹)

همچنین گذشت از خطا و خیر رسانی به هر شکل از جمله عوامل و سازوکارهایی است که در این امر نقش سازنده‌ای دارد. امام صادق(ع) می‌فرماید: «مَنْ آتَاَهُ أَحْوَهُ الْمَسْلَمِ فَارَكَمَهُ فَأَمَّا اَكْرَمَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ؛ هر کس برادر مسلمانش را که نزدش آمده تکريم کند، خدا را بزرگ داشته است.»(اصول کافی، ج ۴، ص ۶۱۲)
**۱۲. تجسس در زندگی دیگران:**
از جمله سازوکارهایی است که خداوند در قرآن در آیات سوره تحریم به آن اشاره کرده است. اصولا کسی که در زندگی دیگران نقبتش می‌کند مورد قبول افراد نیست. اگر کسی بخواهد با دیگران ارتباط سازنده و مثبتی داشته باشد، باید از سرک کشیدن در زندگی دیگران و فضولی دست بردارد. امام صادق(ع) می‌فرماید:«لَا تَفْتَشِ النَّاسَ فِتْنَةً بِلَا صَدِيقٍ؛ از نهان مردمان بازرسی نکن می‌دوست می‌مانی.»(اصول کافی، ج ۶، ص ۵۳۰)
**۱۳. گوش دادن:**
از دیگر سازوکارهای معروف مسئله گوش دادن است که پیش از این درباره آن سخن گفته شد؛ زیرا کسی که خوب گوش می‌دهد و برای سخن و کلام دیگران ارزش قائل است، بهتر می‌تواند ارتباط برقرار کند و مطالب خویش را به دیگران منتقل سازد.
اصولا طوری که انسان باید گوینده خوبی باشد باید شنونده خوبی نیز باشد.

۱۴. **اعتماد به نفس:**
انسان باید با تکيه و اعتماد به خداوند، ولایت و نصرت الهی در هر مسیری که حق می‌داند گام بردارد. وقتی به حقانیت چیزی جزم پیدا کرد با توکل بر خدا با عزم وارد عمل شود. این گونه است که دیگر از شکست نمی‌ترسد و حتی شکست در عین پیروزی می‌داند؛ زیرا اگر خداوند می‌خواست و خیر بود حتما در آن کار موفق می‌شد و عدم توفیق در به معنای آن است که خیر در آن نبوده است. چنین شنونده خوبی نیز باشد.

۱۵. **اعتماد به نفس:**
انسان باید با تکيه و اعتماد به خداوند، ولایت و نصرت الهی در هر مسیری که حق می‌داند گام بردارد. وقتی به حقانیت چیزی جزم پیدا کرد با توکل بر خدا با عزم وارد عمل شود. این گونه است که دیگر از شکست نمی‌ترسد و حتی شکست در عین پیروزی می‌داند؛ زیرا اگر خداوند می‌خواست و خیر بود حتما در آن کار موفق می‌شد و عدم توفیق در به معنای آن است که خیر در آن نبوده است. چنین شنونده خوبی نیز باشد.

**کسی که در زندگی دیگران تفتیش می‌کند مورد قبول افراد نیست. اگر کسی بخواهد با دیگران ارتباط سازنده و مثبتی داشته باشد، باید از سرک کشیدن در زندگی دیگران و فضولی دست بردارد. امام صادق(ع) می‌فرماید: «از نهان مردمان بازرسی نکن که بی‌دوست می‌مانی.»**

نظر و رویه‌ای موجب می‌شود که انسان دیگر خجالت نکشد و با توکل عزم و همت عالی خود را به نمایش گذارد. (آل عمران، آیه ۱۵۹)

۱۶. **مذاکره:**
اصولا انسان با مذاکره می‌تواند مشکلات را برطرف کند. طرف مذاکره و عدم بیان شفاف موضوع می‌تواند به جای ایجاد ارتباط مانع جدی در ارتباط‌گیری انسان‌ها باشد. اگر با دیگری مشکلی دارید، با او مذاکره کنید و بصراحت و شفافیت موضوع خود را بگویند. انسان‌ها هر چند در ظاهر از دو پهلو سخن گفتن و ابهام و حتی دروغ در زمانی بهره می‌برند و حتی شاد می‌شوند، ولی در بلندمدت موجب سلب اعتماد می‌شوند. از همین رو حتی دروغ‌گویان

صفحه ۷

سه‌شنبه ۹ آذر ۱۴۰۰

۲۴ ربیع‌الثانی ۱۴۴۳ – شماره ۲۲۹۰۲



**گرسنگی فقیر**

**به سبب بهره‌مندی غنی از حق او است!**

قال الامام علی(ع): «ان الله سبحانه فرض فی اموال الاغنیاء اقوات الفقراء، فما جاع فقیرا الا بما متع به غنی، والله تعالی سائلهم عن ذلک.»
امام علی(ع) فرمود: خداوند سبب‌بخش خوراک تهیدستان را در اموال توانگران قرار داده است. پس هیچ تهیدستی گرسنه نماند مگر به سبب اینکه ثروتمندی از حق او بهره‌مند شده است، و خدای بزرگ در این باره از آنان بازخواست می‌کند.<sup>(۱)</sup>

۱- نهج‌البلاغه، حکمت ۳۲۸



رسول خدا(ص) درباره نتیجه تبعیض در اجرای احکام الهی فرمود:

اقوام و ملل پیشین دچار سقوط و انقراض شدند، زیرا در اجرای قانون تبعیض روا می‌داشتند. هرگاه یکی از طبقات بالا مرتکب جرم می‌شد او را از مجازات معاف می‌کردند، و اگر کسی از زیردستان به جرم مشابه آن مبادرت می‌ورزید، او را مجازات می‌کردند، قسم به خدایی که جانم در دست او است در اجرای قانون درباره هیچ‌کسی کوتاهی و سستی نمی‌کنم، اگر چه مجرم از زیردکان من باشد.»<sup>(۱)</sup>

۱- طبقات ابن سعد، ج ۴، ص ۷۰

**پریش و پاسخ**

**چرایی نابرابری‌های اجتماعی**

پرش:

**آیا وجود تبعیض‌های اجتماعی از قبیل تفاوت ثروتمندان و فقیران، بیماران، افراد ناقص‌الخلقه و ضعیف و... بر خلاف عدل الهی قلمداد می‌شود؟**

پاسخ:

**مفهوم نابرابری اجتماعی**

نابرابری اجتماعی از مفاهیم پیچیده‌ای است که با ساختارهای فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی درهم تنیده شده و برای تحلیلگران اجتماعی و سایر حوزه‌ها به پدیده‌ای دشوار و دور از دسترس بدل شده است. در بیانی ساده می‌توان گفت: نابرابری اجتماعی به فقدان دسترسی افراد جامعه به موقعیت‌ها و فرصت‌های برابر اجتماعی، اقتصادی و رفاهی اطلاق می‌شود. نابرابری‌های اجتماعی یکی از مضللات پیچیده و چندبعدی است که در نتیجه فقر، نابرابری اقتصادی و شکاف طبقاتی ناشی از آن در جوامع پدید می‌آید. برخورداری از درآمد اندک، شرایط فردی نظیر کمبوت سنی، ناتوانی جسمی، بیماری، سطح پایین سواد، کیفیت زندگی فردی و اجتماعی افراد جامعه را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. تفاوت‌های اجتماعی از جمله تفاوت سبک زندگی، حقوق، پاداش و امتیاز افراد در صورتی که در جامعه نهادینه شود سبب بروز نابرابری اجتماعی می‌شود. نابرابری در زمینه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی، علمی، مانع دسترسی عادلانه و برابر افراد جامعه به منابع و فرصت‌های موجود می‌شود. دسترسی نابرابر به امکانات ضروری چون استخدام، امکانات بهداشتی درمانی و امکانات آموزشی از جمله عوامل نامطلوب نابرابری اجتماعی است.

**علل ایجاد نابرابری‌های اجتماعی**

برخی از متفکشان تفاوت‌های فردی از جمله توانایی‌های ذاتی و انگیزه سخت‌کوشی را از دلایل اصلی نابرابری اجتماعی می‌دانند. اما برخی دیگر تفاوت‌هایی را که جامعه بین افراد قابل می‌شود دلیل اصلی نابرابری معرفی می‌کنند «میل دور کیم» جامعه‌شناس فرانسوی منشأ پیدایش نابرابری اجتماعی را در تفاوت‌های بهره هوشی کارایی و شایستگی‌های افراد جامعه دانسته و معتقد است این مولفه‌ها تعیین‌کننده جایگاه اجتماعی افراد هستند «منتسکویا» حقوقدان و متفکر سیاسی فرانسوی ریشه نابرابری‌های اجتماعی را در ذات جامعه جست‌وجو کرده و بر این باور است که شکل کلی جامعه به صورت نابرابر است و تا حد امکان باید نابرابری جوامع را کاهش داد. «ولتر» فیلسوف فرانسوی نیز با «منتسکویو» هم‌عقیده است و چنین بیان می‌کند که طبیعت جامعه به گونه‌ای است که باعث ایجاد نابرابری می‌شود و این موضوع‌ها هستند که باید برای کاهش این نابرابری‌ها تدابیری بیندیشند. اما دسته سومی نیز هستند که در این زمینه از دیدگاه متفاوتی برخوردارند. برخی از اندیشمندان و جامعه‌شناسان، نابرابری اجتماعی را به عنوان یک پدیده طبیعی تلقی نمی‌کنند و عامل اصلی ایجاد نابرابری‌های اجتماعی را، دستکاری مناسبات اجتماعی توسط طبقه حاکم بر جامعه می‌دانند که با هدف حفظ منافع صاحبان قدرت صورت می‌گیرد.

**نگاه شیعه به عدل الهی**

در شیعه اصل عدل یکی از اصول دین است. عدل الهی یعنی اعتقاد به اینکه خداوند چه در نظام تکوین و چه در نظام تشریع، به حق و عدل رفتار می‌کند و ظلم نمی‌نماید. پرستی که در مورد عدل الهی غالباً به خصوص در عصر ما اندهان را به خود متوجه می‌سازد در برخی از نابرابری‌های اجتماعی است. ریشه این سوال و این ابهام دو چیز است. یکی عدم توجه به کیفیت جریان قضا و قدر الهی. سوال‌کننده خیال کرده است قضا و قدر الهی مستقماً عمل می‌کند. مثلاً ثروتمند مستقیماً بدون وسطاعت هیچ سبب و عاملی از خزانه غیب الهی حمل می‌شود و به در خانه مردم تقسیم می‌شود و همچنین سالماتی‌ها، زیبایی‌ها، قدرت‌ها، مقام‌ها، محبوبیت‌ها، فرزندان و سایر موهبت‌ها با مصیبت‌ها اما به این نکته توجه نشده است که هیچ نوع روزی و رزقی چه مادی و چه معنوی مستقیماً از خزانه غیب تقسیم نمی‌شود، بلکه قضای الهی، که نظام به وجود آورده است و منشأ یک سلسله سنت‌ها و قانون‌ها شده است. هر کسی هرچه بخواهد باید از مجرای همان نظام و همان سنت‌ها و قانون‌ها بخواهد، ریشه دوم این اشتباه عدم توجه به مقام و موقعیت انسان به عنوان یک موجود مسئول و تلاشگر برای بهتر کردن زندگی خود و مبارزه با عوامل طبیعت از یک طرف و مبارزه با عوامل سوء اجتماعی و بدکرداری‌ها و سنگمرگی‌های افراد انسان از طرف دیگر است. اگر در جامعه برخی نابرابری‌ها هست این قضای الهی نیست که مسئول آن است، بلکه این انسان آزاد مختار و مسئول است که در واقع مسئول این نابرابری‌ها است!



**خوشیینی به خود و بدینی به دیگران**

**آخت اصلاح جامعه!**

یکی از علل عمده عدم موفقیت ما مردم به اصلاح جامعه خود همین است که هر فردی آنگاه که به خودش نگاه می‌کند و به اعمال خودش نظر می‌افکند عینک خوشیینی به چشم می‌زند، و آنگاه که به دیگران و اعمال آنها نظر می‌کند عینک بدبینی و بدگمانی (دارد) و نتیجه این است که هیچ‌کس به دشمن خود را تقصیر کار نمی‌داند و چنین می‌پندارد که تقصیر متعلق به شخص خود است. همه چشم به عدالت اجتماع دارند و هیچ‌کس فکر نمی‌کند که عدالت اجتماعی وقتی حاصل می‌شود که افراد عادل باشند.<sup>(۱)</sup>

۱- بیست‌گفتار، شهید مرتضی مطهری(ره)، ص ۱۹۸